

Methodology as the Application of Schools of Thought to Concrete Situations in International Law

Seyed Jamal Seifi *

Hadi Dadmehr **

(DOI) : CILAMAG.2023.701461

(DOR) : 20.1001.1.2251614.1402.40.69.1.0

Abstract

Legal scholars have some internal assumptions and preconceptions about international law which seem obvious to them. Methodology is the standard by which a researcher chooses a comprehensive theoretical framework and applies it to concrete situations. Methodology as the application of schools of thought to concrete situations is one of the theoretical connotations of this concept that has not been duly examined in Iranian legal literature. While explaining the old approaches to methodology as well as the new one, the authors invite the Iranian legal scholars to reflect on their theoretical assumptions about international law and apply them systematically in their field of inquiry. Further, given that the majority of the PhD students of Tehran public universities did not expressly identify their underlying methodological assumptions in their PhD research projects, it is strongly recommended in this article that all PhD candidates should be methodologically self-aware and also be able to defend the methodologies that they take to their analysis.

Keywords

Methodology, Schools of Thought, Legal Reasoning, International System, Legal Rule

* Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran; Judge at Iran-US Claims Tribunal; Tilburg University Guest Professor, The Hague, sjseifi@dpimail.net

** PhD Candidate in International Law, Shahid Beheshti University, hdadmehr@gmail.com



روش‌شناسی به مثابه اعمال آموزه‌های مکتب‌محور بر موقعیت‌های عینی در حقوق بین‌الملل

سیدجمال سیفی *

هادی دادمهر **

(DOI) : CILAMAG.2023.701461

(DOR) : 20.1001.1.2251614.1402.40.69.1.0

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۷

چکیده

پژوهش در حقوق بین‌الملل، ممزوج با الگوهای فکری نهادینه‌شده و گاه ناندیشیده است که در ذهن پژوهشگر، بدیهی جلوه می‌کند. روش‌شناسی، ابزاری برای انتخاب آگاهانه الگوی تفکر علمی و عرضه استدلال معتبر بر اساس آن چارچوب است. از جمله دلالت‌های مفهومی تقریباً ناشناخته روش‌شناسی در ادبیات دانشگاهی کشور، کاربرد این مفهوم به مثابه «اعمال آموزه‌های مکتب‌محور بر موقعیت‌های عینی» است. در این مقاله، متعاقب تبیین دریافت‌های کلاسیک از مفهوم روش‌شناسی، به تبیین محتوا و امتیازات کاربرد روش‌شناسی به مثابه اعمال آموزه‌های مکتبی پرداخته می‌شود تا از این رهگذر، زمینه‌ای برای ترغیب دانش‌پژوهان ایرانی به اتخاذ رویکردهای روش‌شناسانه مکتب‌محور در پژوهش‌های حقوقی فراهم شود. افزون بر مورد فوق، با ارائه نمونه آماری در خصوص جایگاه روش‌شناسی تحقیق در رساله‌های دکتری دانشگاه‌های دولتی تهران، یافته‌هایی ارائه می‌شود که بر اساس آن می‌توان اظهار داشت در عالی‌ترین پژوهش‌های دانشگاهی کشور نیز مقوله روش‌شناسی از مرتبت شایسته‌ای برخوردار نیست.

واژگان کلیدی

روش‌شناسی، مکاتب فکری، استدلال حقوقی، سیستم بین‌المللی، قاعده حقوقی

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، قاضی دیوان دوری دعاوی ایران - ایالات متحده jseifi@dpimail.net

hdadmehr@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

در علوم دانشگاهی برای شناخت پدیده‌ها و تضمین اعتبار روش‌های تحقیق، از ابزاری موسوم به روش‌شناسی بهره گرفته می‌شود.^۱ حقوق بین‌الملل نیز به‌عنوان یکی از شعب علوم اجتماعی، دارای روش‌های شناخت مربوط به خود است. با این همه، وقتی سخن از روش‌شناسی حقوق بین‌الملل به میان می‌آید، به نظر می‌رسد که پژوهشگر با سؤالاتی ابهام‌برانگیز مواجه است: آیا در جامعه دانشگاهی حقوق بین‌الملل، چیزی به نام خوانش یکدست از روش‌شناسی وجود دارد؟ آیا اساساً روش‌شناسی حقوق بین‌الملل تعریف‌پذیر است و امکان وحدت‌نظر در خصوص خطوط مشترک آن وجود دارد؟ آیا در پهنه دریافت‌های گوناگون از روش‌شناسی می‌توان از مفهومی به نام اعمال آموزه‌های مکتب‌محور بر تحلیل وضعیت‌های عینی سخن گفت؟ در این صورت، امتیازات این تلقی از روش‌شناسی کدام است؟

پژوهش پیش رو در مقام پاسخگویی به سؤالات فوق، نخست به شفاف‌ساختن زمینه بحث از طریق تبیین اجمالی خوانش‌های متداول از مفهوم روش‌شناسی در حقوق بین‌الملل می‌پردازد. بدین منظور، تصویری گویا از دو خوانش متداول از روش‌شناسی حقوق بین‌الملل به خواننده عرضه خواهد شد و سپس با طرح نمونه‌ای از اختلاف‌نظر دانشمندان برجسته حقوق بین‌الملل در خصوص این مفهوم، ادعا می‌شود که همچنان فاصله زیادی تا حصول وحدت‌نظر درباره کاربرد این مفهوم باقی مانده است. در ادامه، کانون مباحث مقاله، حول معرفی و برشمردن امتیازات یکی از خوانش‌های نسبتاً بدیع از روش‌شناسی در ادبیات دانشگاهی حقوق بین‌الملل (روش‌شناسی مکتب‌محور) متمرکز می‌شود. در این راستا برای اثبات اقبال فزاینده دانشمندان حقوق بین‌الملل به روش‌شناسی مکتب‌محور، به طرح نمونه‌هایی موفق از کاربست این الگو توسط نهادهای دانشگاهی و اندیشمندان مطرح حقوق بین‌الملل پرداخته می‌شود.

۱. لازم به یادآوری است که مقوله روش‌شناسی (Methodology) با مقوله روش تحقیق (Research Methods) تفاوت اساسی دارد. در تقابل این دوگانه، باید روش‌شناسی را ابزار نظری فرادست در امر پژوهش محسوب کرد که در ذیل مباحث شناخت‌شناسی (Epistemology) به انتخاب دستگاه‌های شناخت و عرضه استدلال معتبر در درون آن کمک می‌کند. اما روش تحقیق - در مقایسه با روش‌شناسی - امر پسینی است که نوعاً به تعیین اسلوب فنی پژوهش مربوط است و دامنه شمول آن از تبیین روش تحقیق در سطح کلان از حیث توصیفی/تحلیلی/تجزی/تطبیقی و ... بودن شروع شده و در سطوح خرد به تعیین شیوه طرح سؤال تحقیق، تعریف فرضیه، متغیرپردازی و ... می‌انجامد. همچنین باید اشاره داشت که در بسیاری از آثار حقوق بین‌الملل، روش (Method) و روش‌شناسی به یک معنی و به جای یکدیگر استفاده شده‌اند. برای نمونه می‌توان به رویکرد دبیران سمپوزیوم متد مجله آمریکایی حقوق بین‌الملل یا به مقاله آرفورد با عنوان روش حقوق بین‌الملل اشاره کرد که در هر دو مورد، امر متدولوژیک (و نه متودیک) به‌عنوان صفت برای متد استفاده شده است. ن.ک:

Ratner, Steven, Slaughter, Anne-Marie, "Appraising the Methods of International Law: A Prospectus for Readers", *American Journal of International Law*, vol. 93, No. 2, 1999, pp. 291-302; Slaughter, Anne-Marie, Ratner, Steven, "The Method is the Message", *American Journal of International Law*, vol. 93, No. 2, 1999, pp. 410-423; Orford, Anne, "On International Legal Method", *London Review of International Law*, vol. 1, No. 1, 2013, pp. 166-197.

در پژوهش پیش رو همچنین به منظور مرتبط‌سازی زمینه بحث با تحقیقات حقوق بین‌الملل در داخل کشور، در خصوص میزان اقبال دانشجویان دوره‌های دکتری دانشگاه‌های تهران به تبیین روش‌شناسی تحقیق در رساله‌های دکتری، مطالعه آماری می‌شود و دلایل کم‌توجهی پژوهشگران به شفاف‌سازی روش‌شناسی تحقیق برآورد خواهد شد.

۱. دریافت‌های کلاسیک از روش‌شناسی در حقوق بین‌الملل

روش‌شناسی از جمله مفاهیم سرشار از ابهام و ابهام در پهنه حقوق بین‌الملل است. به نظر می‌رسد بخشی از دلیل سردرگمی پژوهشگران حقوق بین‌الملل در خصوص دلالت معنایی دقیق روش‌شناسی، فقد وحدت ترمینولوژیک در باب منطوق این مفهوم باشد. دامنه این آشفتگی نظری تا بدانجاست که گویی هر پژوهشگری که در حقوق بین‌الملل قصد سخن‌گفتن از روش‌شناسی تحقیق دارد، نخست باید دریافت خود از مفهوم روش‌شناسی را برای مخاطب آشکار کند.

دایره‌المعارف حقوق بین‌الملل مکس پلانک^۲ به‌عنوان یکی از مراجع معتبر حقوقی، دو مدخل با عنوان روش‌شناسی حقوق بین‌الملل دارد. در نخستین مدخل، به قلم کریستین دومینیسه^۳ نویسنده ضمن اذعان به این نکته مهم که هیچ تعریف پذیرفته‌شده‌ای از روش‌شناسی حقوق بین‌الملل وجود ندارد، الگوی دوسطحی از روش‌شناسی را معرفی می‌کند که دربرگیرنده روش‌های موسع شناخت «سیستم حقوقی بین‌المللی» و روش‌های مضیق احراز «قاعده حقوقی» در درون سیستم است.^۴

اگر کارویژه روش‌شناسی، تبیین روش‌های دستیابی به دانش علمی باشد، روش‌شناسی در «مفهوم موسع»، راهبر به روش‌هایی برای تحلیل بی‌طرفانه سیستم حقوقی خواهد بود و طبعاً به ارزیابی آثار مثبت و منفی ناشی از اعمال آن روش‌ها نخواهد پرداخت. مطابق نظر دومینیسه، برای تحلیل این سیستم و بیان مختصات آن، دو روش اصلی وجود دارد: مشاهده تجربی و استدلال منطقی. از دیگر سو روش‌شناسی در «مفهوم مضیق» در پی معرفی روش‌هایی برای احراز و تعیین محتوای قواعد حقوقی است. در مقام این کارکرد، دو روش اصلی شناسایی قواعد حقوقی عبارت‌اند از روش استقرایی و روش استنتاجی. در روش استقرایی، امر شناسایی قواعد از طریق رصدکردن رویه دولت‌ها صورت می‌گیرد و قاعده حقوقی زمانی متعین محسوب می‌شود که تابعان حقوق بین‌الملل آن را شناسایی کرده باشند. گئورگ شوارزنبرگ^۵ از مدافعان اصلی

2. Max Planck Encyclopedia of Public International Law

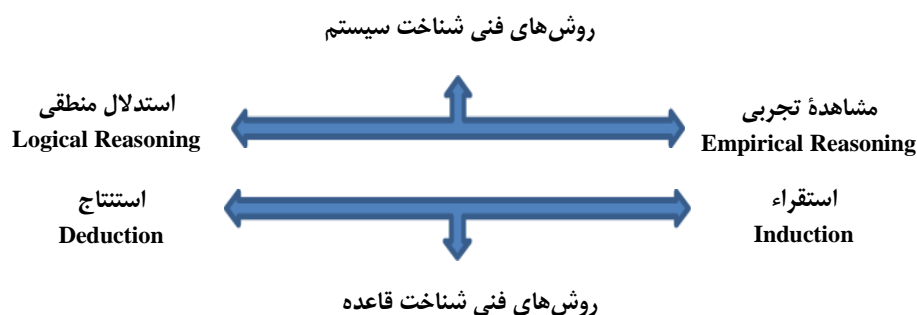
3. Christian Dominicé

4. Dominicé, Christian, "Methodology of International Law", in: Rudolf Bernhardt (ed.), *Encyclopedia of Public International Law*, vol. 7, Elsevier Science Publishers, 1984, p. 334.

5. Georg Schwarzenberger

رهیافت استقرایی در حقوق بین‌الملل، با نگارش مقاله «روش استقرایی در حقوق بین‌الملل»، به تبیین دقیق آن پرداخته است.^۶ اما در روش استنتاجی به استنباط قاعده خاص از جوف یک قاعده یا اصل عام به‌واسطه استدلال حقوقی پرداخته می‌شود. در استنتاج، مهم این است که استدلال منطقاً درست باشد، حتی اگر الزاماً شاهد تجربی برای اثبات آن یافت نشود.^۷

دلالت معنایی روش‌شناسی در الگوی دومینوسه



(تمرکز تحقیق بر تبیین هنجارهای حقوقی) (استدلال حقوقی با حرکت از کل به جزء) (استنباط قواعد حقوقی به‌واسطه سازمندی ذهنی)	(تمرکز تحقیق بر تبیین مشاهدات تجربی) (استدلال حقوقی با حرکت از جزء به کل) (استنباط قواعد حقوقی به‌واسطه کارآمدی عینی)
--	---

دومین مدخل روش‌شناسی حقوق بین‌الملل در دایره‌المعارف مکس پلانک، به قلم مارتی کاسکنیمی^۸ نوشته شده است. وی حقوق بین‌الملل را رویه استدلالی^۹ می‌داند که به حقوق‌دان کمک می‌کند تا صحت حقوقی مواضع ادعایی خود را (از حیث قانونی بودن، مشروع بودن، مجاز بودن، عادلانه بودن، معتبر بودن و...) به نحو اقناع‌کننده‌ای به مخاطب (که می‌تواند قاضی دادگاه، سیاستمدار، یا دانشمند حقوق بین‌الملل باشد) اثبات کند. با این تعریف از حقوق بین‌الملل، وی روش‌شناسی این رشته را از منظر کمک به پژوهشگر برای طرح استدلال متقاعدکننده^{۱۰} بررسی می‌کند. روش‌شناسی در الگوی کاسکنیمی ناظر بر معرفی مجموعه‌ای از معیارهاست که نوعاً شرط متقاعدکنندگی هر استدلال حقوقی است. وی این معیارها را در دو سطح کلی به معیارهای

6. Schwarzenberger, Georg, "The Inductive Approach to International Law", *Harvard Law Review*, vol. 60, Issue 4, 1947, p. 539.

7. Dominicé, Christian, *op. cit.*, pp. 334-339.

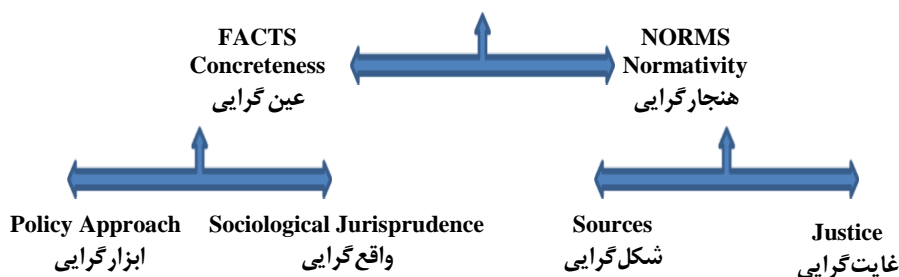
8. Martti Koskeniemi

9. Argumentative Practice

10. Persuasive Argument

هنجاری و انضمامی تقسیم می‌کند و بر آن است که استدلال حقوقی باید ضمن هنجاری بودن، واقعیات انضمامی یا عینی را نیز ملحوظ بدارد.^{۱۱}

دلالت معنایی روش‌شناسی در الگوی کاسکنیمی



متعاقب معرفی این دو الگو، اینک برای سنجش این نکته که آیا دو مدخل فوق توانسته است باعث وحدت‌نظر حقوق‌دانان در خصوص بار معنایی روش‌شناسی در حقوق بین‌الملل بشود، مجادله علمی بین دو دانشمند طراز اول حقوق بین‌الملل یعنی مایکل وود،^{۱۲} استاد دانشگاه کمبریج و از اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل و استفن تالمون،^{۱۳} استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه بن آلمان تبیین می‌شود.

در ۲۰۱۵ پروفسور تالمون با انتشار مقاله‌ای پربازخورد در مجله اروپایی حقوق بین‌الملل^{۱۴} به نقد روش‌شناسی دیوان بین‌المللی دادگستری در احراز قواعد عرفی پرداخت و با بیان این ادعا که دیوان به‌ندرت از روش استقرایی یا استنتاجی برای اثبات وجود قاعده عرفی بهره برده است، اظهار کرد که رکن قضایی اصلی جامعه بین‌المللی اصولاً هیچ روش‌شناسی متعارفی برای اثبات وجود و تبیین دامنه معنایی قواعد عرفی بین‌المللی ندارد و روش غالب آن در شناسایی عرف، روش تأکید بر احراز^{۱۵} است! وی در مقاله خود نشان می‌دهد که دیوان در موارد متعدد بدون ارائه هیچ‌گونه استدلال استقرایی یا استنتاجی صرفاً تأکید می‌کند که قاعده حقوق بین‌الملل عرفی را

11. Koskeniemi, Martti, "Methodology of International Law", in: Max Planck Encyclopedia of Public International Law, 2007, available at: <<https://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e1440>>, last seen 19 March 2023.

12. Sir Michael Wood

13. Stefan Talmon

14. Talmon, Stefan, "Determining Customary International Law: The ICJ's Methodology between Induction, Deduction and Assertion", *European Journal of International Law*, vol. 26, No. 2, 2015.

15. Assertion

احراز کرده است.^{۱۶} *تالمون* علت را در این می‌بیند که دیوان در عین حال که گاه امکان عملی استفاده از روش استقراء را ندارد و گاه قواعد و اصول کلی برای استنتاج قاعده یافت نمی‌کند، همچنان خود را ملزم به احراز قاعده عرفی بین‌المللی می‌داند. در واقع دیوان هزینه خودداری از تصدیق وضعیت خلأ قاعده^{۱۷} در حقوق بین‌الملل را بر دولت‌ها تحمیل می‌کند.^{۱۸}

مایکل وود، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل در احراز قواعد عرفی، طی یادداشتی اعتراض‌آمیز در پایگاه اینترنتی *مجله اروپایی حقوق بین‌الملل*،^{۱۹} ضمن ابراز تعجب از ادعای *تالمون* در خصوص عدم تبعیت دیوان از روش‌شناسی معین می‌گوید: دیوان از قضایای فلات قاره دریای شمال تا کنون در موارد متعدد بیان داشته است که برای احراز عرف از دو مؤلفه رویه عام و اعتقاد حقوقی استفاده می‌کند و لذا بهتر است پژوهشگران حقوق بین‌الملل به جای طرح ادعاهای شگفت‌آور دربارهٔ فقد روش‌شناسی دیوان در روند احراز عرف، صرفاً اظهار بدارند که دیوان گاهی از روش‌شناسی خود پیروی نکرده است. ایشان همچنین در مخالفت با ادعای *تالمون* دربارهٔ اینکه دیوان جهت گریز از خلأ حقوقی به روش استنتاجی روی آورده است، به فرازهایی از مقاله قاضی *تومکا*^{۲۰} استناد می‌کند که در آن گفته شده است دیوان در عین پابندی به اصول دوگانه احراز عرف، به دلایل عمل‌گرایانه، لازم نمی‌بیند که برای احراز هر قاعده عرفی مستقلاً تحقیق کند، بلکه ترجیح می‌دهد تا به بهترین اسناد در دسترس از جمله اسناد کمیسیون حقوق بین‌الملل استناد کند.^{۲۱}

در این میان نکته اساسی مباحثه فوق را می‌توان در جایی دید که *تالمون*، همکار نامدار خود را به عدم آگاهی از دلالت معنایی روش‌شناسی در حقوق بین‌الملل متهم می‌کند. وی می‌گوید نمی‌تواند بفهمد که چگونه پژوهشگر می‌تواند دو شاخص سازنده عرف را روش‌شناسی احراز عرف نام نهد! از نظر او، *مایکل وود* به جای توجه به روش‌های احراز قاعده عرفی، به ضوابط انتزاعی تشکیل‌دهنده قاعده اشاره داشته است زیرا آنچه دیوان در خصوص مؤلفه‌های سازنده عرف گفته است، ربطی به روش‌شناسی احراز قاعده عرفی ندارد. از نظر *تالمون* باید بین روش‌شناسی دیوان برای شناسایی قواعد مذکور با عناصر متشکله آن قواعد، قائل به تفاوت بود. وی این تلقی خود از روش‌شناسی را مطلقاً ابداعی نمی‌داند و با ارجاع‌دادن به منطق ارسطویی و

16. Talmon, Stefan, *op. cit.*, p. 434.

17. Non Liqueur

18. Talmon, Stefan, *op. cit.*, p. 442.

19. Sender, Omri, Wood, Michael, *The International Court of Justice and Customary International Law: A Reply to Stefan Talmon*, 2015, available at: <<https://www.ejiltalk.org/the-international-court-of-justice-and-customary-international-law-a-reply-to-stefan-talmon>>, last seen 19 March 2023.

20. Peter Tomka

21. Tomka, Peter, "Custom and the International Court of Justice", *The Law & Practice of International Courts and Tribunals*, vol. 12, No. 2, 2013, pp. 215-216.

مدخل دومینیه در دایره‌المعارف مکس پلانک و البته ضمن انتقاد از بی‌توجهی کاسکنیمی به تبیین روش‌های استقرایی و استنتاجی در مدخل دوم آن دایره‌المعارف، از فهم خود در خصوص دلالت معنایی روش‌شناسی دفاع می‌کند.^{۲۲}

در مقام ارزیابی می‌توان اظهار داشت که هرچند روش‌شناسی در برداشت محض دومینیه به‌طور خاص برای احراز و تحلیل قاعده حقوقی مفید است، در امر تبیین سیستم حقوقی باید قدری از ساده‌سازی‌های شناخت‌محور بر اساس دوگانه استدلال تجربی-منطقی فراتر رفت.^{۲۳} در این معنی و در جهت تأیید ملاحظات هشدارآمیز مارتی کاسکنیمی درباره لزوم به‌کارگیری روش‌شناسی به مثابه آشکارسازی پیش‌فرض‌های استدلالی، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که اساساً آیا می‌شود بدون اتکا بر برداشت انتزاعی از ماهیت سیستم حقوقی، به تحقیق محض درباره کارکرد سیستم و قواعد پرداخت؟ به نظر می‌رسد روش‌شناسی در مفهوم تشریح مفروضات استدلالی کلان، شرط پیشینی فرمول‌بندی و عرضه استدلال در الگوی دومینیه است. در این زمینه باید تأکید کرد که امروزه روش‌شناسی به نحو فزاینده‌ای مانند ابزار خنثی برای تبیین مبادی فکری و پیش‌فرض‌های متفاوت و پنهان پژوهشگر در خصوص ماهیت و کارکرد حقوق بین‌الملل به کار گرفته می‌شود.

۲. روش‌شناسی به مثابه اعمال آموزه‌های مکتب‌محور

مراد از مکتب، نظام اندیشگی مشترک گروهی از دانشمندان یک رشته علمی است. اصطلاح مکتب از آن رو در این تحقیق به جای نظریه به کار می‌رود که در علوم اجتماعی و مشخصاً در حقوق بین‌الملل، تردیدهای جدی در خصوص نظریه‌نامیدن برخی آموزه‌های علمی وجود دارد. برای نمونه، تعدادی از دانشمندان رهیافت جهان‌سومی یا نیوهیون اساساً ترجیح می‌دهند برای نام‌گذاری شیوه تفکر خود، به جای نظریه که اثبات مختصات آن محل مناقشه است از یک مفهوم عام‌تر یعنی مکتب فکری استفاده کنند.^{۲۴} شاید برخی ادعا کنند که این تلقی از

22. Talmon, Stefan, *Determining Customary International Law: The ICJ's Methodology and the Idyllic World of the ILC*, 2015, available at: <<https://www.ejiltalk.org/determining-customary-international-law-the-icjs-methodology-and-the-idyllic-world-of-the-ilc/>>, last seen 19 March 2023.

23. برای نگاه انتقادی درباره نابسندگی تقسیم روش‌های شناسایی قواعد حقوقی به اشکال استقرایی - استنتاجی و در مقابل، دفاع از اصالت مقوله استدلال قیاسی در اشکال حقوقی - قضایی (با استناد به آرای متعدد دیوان بین‌المللی دادگستری) ن.ک: قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، حیدر پیری و سیدهادی محمودی؛ «کشف قاعده حقوقی از طریق قیاس توسط دیوان بین‌المللی دادگستری»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۱۹ شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸.

24. Okafor, Obiora Chinedu, "Critical Third World Approaches to International Law (TWAİL): Theory, Methodology, or Both?", *International Community Law Review*, vol. 10, No. 4, 2008, p. 378; Koh, Harold Hongju, "Is There a "New" New Haven School of International Law?", *Yale Journal of International Law*, vol. 32, No. 2, 2007, p. 559.

روش‌شناسی باعث می‌شود که مرز بین روش‌شناسی با نظریه یا مکتب از بین برود اما چنانکه /اسلاتر و راتنر نشان می‌دهند، روش‌شناسی دربرگیرنده نظریه‌های محض نیست و کارکرد آن تعیین چگونگی اعمال مفاهیم یک نظریه بر موضوعات عینی است.^{۲۵} در این معنی، روش‌شناسی ارتباط وثیق با کاربردی‌بودن نظریه‌ها پیدا می‌کند و به مثابه پلی برای وصل شدن نظریه به سیاق عمل می‌کند. این پل هرچند نامرئی و تعریف‌گریز نیست، از آنجا که روش‌شناسی اساساً فعالیت فکری برای صورت‌بندی و انضمامی‌ساختن مفاهیم تجربی است، اصولاً باید آن را به مثابه فرآیند درک کرد و لذا تعیین نقطه دقیق استقرار آن بین نظریه و وضعیت‌های عینی دشوار خواهد بود. پژوهشگران حقوق بین‌الملل می‌توانند با مراجعه به کتب تبیین مکاتب حقوق بین‌الملل^{۲۶} و مقایسه آن با پژوهش‌هایی که در آن‌ها روش‌شناسی به مثابه اعمال آموزه‌های مکتبی در نظر گرفته شده است، تصویر روشن‌تری از روش‌شناسی به مثابه اعمال آموزه‌های مکتبی در ذهن داشته باشند.

هرچند تعریف روش‌شناسی حقوق بین‌الملل به «اعمال سیستماتیک اصول فکری یک یا چند مکتب حقوقی در تحلیل مسائل بین‌المللی»، می‌تواند برای برخی پژوهشگران ایرانی امری بدیع و غریب به نظر آید، چنانکه در ادامه نشان داده می‌شود، این تلقی از روش‌شناسی برای تفکر درباره موضوعات حقوقی بین‌المللی در ادبیات دانشگاهی حقوق بین‌الملل دنیا در حال تثبیت است. روش‌شناسی مکتبی از ضرورت حرکت پژوهشگر در مدار فکری مشخص سخن می‌گوید که هرچند در گام پسینی مستلزم انتخاب آگاهانه و جانبدارانه یک مکتب مشخص توسط پژوهشگر است، در ادامه ناظر به اعمال بی‌طرفانه اصول فکری آن مکتب در تحلیل مسائل عینی خواهد بود. بدیهی است تجهیز تحقیق به روش‌شناسی در چنین سنت فکری، مستلزم تسلط پژوهشگر به مبانی نظری مکاتب حقوق بین‌الملل خواهد بود.

در ادامه چند نمونه از پژوهش‌های ارزنده معرفی می‌شود که در آن‌ها روش و روش‌شناسی مشخصاً در مقام اعمال آموزه‌های مکتبی به کار گرفته شده است.^{۲۷}

25. Ratner, Steven, Slaughter, Anne-Marie, 1999, *op. cit.*, p. 292.

۲۶. برای نمونه، ن.ک:

Orford, Anne, Hoffmann, Florian (eds.), *Oxford Handbook of the Theory of International Law*, Oxford University Press, 2016; Bianchi, Andrea, *International Law Theories: An Inquiry into Different Ways of Thinking*, Oxford University Press, 2016; Orakhelashvili, Alexander (ed.), *Research Handbook on the Theory and History of International Law*, Edward Elgar, 2011.

۲۷. لازم به تأکید است که این فهرست صرفاً دربرگیرنده آثاری است که به روش‌شناسی حقوق بین‌الملل از منظر عام پرداخته است و شامل نمونه‌های قابل توجه از کاربرد روش‌شناسی به مثابه اعمال مکتب در حوزه‌های تخصصی مانند حقوق بشر و حقوق محیط‌زیست نیست. لازمه ورود به این بحث، ملحوظ‌نمودن ظرافت‌های نظری خاص هر یک از شعب حقوق بین‌الملل است که البته انجام آن مستلزم پژوهش مستقل است.

۲-۱. روش‌شناسی در سمپوزیوم روش حقوق بین‌الملل (۱۹۹۹)

می‌توان سمپوزیوم روش را که در ۱۹۹۹ به همت مجله آمریکایی حقوق بین‌الملل برگزار شد، منسجم‌ترین نمونه کاربرد روش‌شناسی به مثابه اعمال مکتب در ادبیات دانشگاهی حقوق بین‌الملل محسوب کرد. در این سمپوزیوم از نویسندگان درخواست شد تا آموزه‌های مکتب نظری که خود را بدان متعلق می‌دانند بر موضوع واحد (مسئولیت فردی در قبال نقض‌های حقوق بشری در مخاصمات مسلحانه داخلی) اعمال کنند. اسلاتر و راتنر به‌عنوان دبیران این نشست، در عین حال که ابتدائاً با اقتباس از شبتای روزن،^{۲۸} دامنه معنایی مفهوم روش‌شناسی را محدودتر از مفهوم روش و در حد فن تفسیری برای احراز قاعده حقوقی بین‌المللی تقلیل دادند، در سراسر مقدمه و مؤخره‌ای که بر سمپوزیوم نوشتند، روش و روش‌شناسی را به شکل جایگزین به کار بردند و مرادشان از روش (روش‌شناسی) چیزی جز مکتب فکری کاربردی نبود.^{۲۹} به تعبیر آنگی^{۳۰} و چمنی،^{۳۱} در این سمپوزیوم از تعریف سنتی روش (ابزار تعیین حقوق موجود) فاصله گرفته شده است و «روش» به منزله شیوه اندیشیدن متمایز در باب چستی و مطلوبیت حقوق بین‌الملل و همچنین نحوه فرمول‌بندی مجموعه‌ای از دغدغه‌ها و ابزارهای تحلیلی برای تحقیقات بین‌المللی به کار گرفته شده است.^{۳۲}

۲-۲. روش‌شناسی در شماره اختصاصی مجله حقوق بین‌الملل لیدن (۲۰۰۵)

مجله حقوق بین‌الملل لیدن هلند نیز طی دو شماره متوالی با طرح این گزاره که «روش‌شناسی، مسئله هویت هر رشته علمی است»، سلسله مباحث منظمی را با تمرکز بر «آموزه‌های مکتب رئالیسم حقوقی جدید» در زمینه روش‌شناسی مطرح کرد.^{۳۳} در مجموعه مقالات این مجله، فرضیه تغییر محور مطالعات روش‌شناسی حقوق بین‌الملل، از تمرکز بر روش‌های آموزه‌محور^{۳۴} به

28. Shabtai Rosenne

۲۹. روزن در کتاب عملکرد و روش حقوق بین‌الملل، روش‌شناسی را از دریچه شناخت منابع اولیه و ثانویه حقوق بین‌الملل (به ترتیبی که در ماده ۳۸ اساسنامه آمده است) مطالعه می‌کند. لازم به ذکر است که مارتین باس، دیگر دانشمند پیشروی حقوق بین‌الملل در مباحث روش‌شناسی نیز در کتاب روش‌شناسی حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که مراد او از این اصطلاح اساساً رویکرد پدیدارشناسانه در احراز عرف و تبیین معاهدات است. برای مرور اجمالی محتوای کتاب شبتای روزن و مارتین باس، ن.ک:

Busutil, James J., "Practice and Methods of International Law; by Shabtai Rosenne", *Maryland Journal of International Law*, vol. 9, Issue 2, 1985; D'Amato, Anthony, "A Methodology of International Law, by Maarten Bos", *Maryland Journal of International Law*, vol. 9, Issue 2, 1985.

30. Antony Anghie

31. B.S. Chimni

32. Anghie, Antony, Chimni, B.S., "Third World Approaches to International Law and Individual Responsibility in Internal Conflicts", *Chinese Journal of International Law*, vol. 2, No. 1, 2003, pp. 77-103.

33. Venzke, Ingo, "International Law and its Methodology: Introducing a New Leiden Journal of International Law Series", *Leiden Journal of International Law*, vol. 28, No. 2, 2015, pp. 185-281, 457-493.

34. Doctrinal

روش‌های تجربی در حوزه‌هایی مانند حقوق تجارت و حقوق بشر به بحث گذاشته شد. پربازخوردترین مقاله این نشست مربوط به گرگوری شافر،^{۳۵} استاد دانشگاه کلمبیا است که متعاقب تقسیم‌بندی سه‌گانه علم حقوق بین‌الملل، ذیل الگوی اخلاقی (حقوق طبیعی)، تحلیلی (پوزیتیویسم) و تاریخی (حقوق و اجتماع)، مکتب رئالیسم حقوقی جدید را در الگوی سوم جای می‌دهد و مختصات روش‌شناسی آن را تبیین می‌کند.^{۳۶} یان کلابرز^{۳۷} نیز با مشارکت در این پژوهش روش‌شناسانه، ضمن اینکه مقاله شافر را مانیفست منطقی و معتدل رئالیسم حقوقی جدید می‌نامد، در قبال خطرات گرایش به هر نوع روش‌شناسی مکتبی که باعث فروکاستن حقوق به اقتصاد، سیاست، منطق و مانند آن بشود، هشدار می‌دهد.^{۳۸}

۲-۳. کتاب روش‌شناسی تحقیق در حقوق اتحادیه اروپا و حقوق بین‌الملل (۲۰۱۱)

سورای پژوهش علوم انسانی بریتانیا در ۲۰۰۷ از پروژه تحقیقاتی در خصوص روش‌شناسی تحقیق در اتحادیه اروپا و حقوق بین‌الملل حمایت، و طی سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ دو کارگاه پژوهشی نیز در همین ارتباط در دانشگاه‌های ناتینگهام و شفیلد برگزار کرد. رابرت کرایر^{۳۹} و همکاران وی نتایج این پروژه را که محصول تجارب‌شان در زمینه راهنمایی رساله‌های دکتری بود در قالب کتاب روش‌شناسی تحقیق در حقوق اتحادیه اروپا و حقوق بین‌الملل^{۴۰} منتشر کردند. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان می‌دهد که دانشجویان حقوق در مقایسه با دانشجویان سایر حوزه‌های علوم اجتماعی سطح دانش پایین‌تری برای تبیین روش‌شناسانه پژوهش خود دارند و عمدتاً به دلیل عدم اشراف بر ادبیات روش‌شناسی، درباره رهیافتی که تحقیق را بر آن بنا کرده‌اند، امکان اظهارنظر ندارند.^{۴۱}

نویسندگان فوق، روش‌شناسی را (که از نظر آن‌ها مترادف نظریه، مکتب و رهیافت است) اساساً امر «کاربردی» می‌دانند که به طراحی پژوهش، تفسیر داده‌ها و به‌طور کلی معماری ساختمان تحقیق کمک می‌کند. بدین ترتیب، آن‌ها الگوهای روش‌شناسی حقوق بین‌الملل را به سه دسته

35. Gregory Shaffer

36. Shaffer, Gregory, "The New Legal Realist Approach to International Law", *Leiden Journal of International Law*, vol. 28, No. 2, 2015, pp. 190-191.

37. Jan Klabbbers

38. Klabbbers, Jan, "Whatever Happened to Gramsci? Some Reflections on New Legal Realism", *Leiden Journal of International Law*, vol. 28, No. 3, 2015, pp. 469-478.

39. Robert Cryer

40. Cryer, Robert, Hervey, Tamara, Sokhi-Bulley, Bal, and Bohm, Alexandra, *Research Methodologies in EU and International Law*, Hart Publishing, 2011.

41. *Ibid.*, p. 2.

تقسیم کردند: روش‌شناسی اصلی (حقوق طبیعی و پوزیتیویسم)، روش‌شناسی مدرن و انتقادی (لیبرالیسم، اساسی‌گرایی، مارکسیسم، فمینیسم و ...) و روش‌شناسی حقوق و سایر علوم (حقوق و علوم سیاسی، حقوق و اقتصاد، حقوق و جامعه‌شناسی، حقوق و تاریخ و ...).^{۴۲}

۲-۴. کتاب روش‌های پژوهش در حقوق بین‌الملل (۲۰۲۱)

انتشارات انگلیسی‌الگار^{۴۳} در نیمه دوم ۲۰۲۱ کتاب روش‌های تحقیق در حقوق بین‌الملل^{۴۴} را در ۲۸ فصل توسط جمعی از نویسندگان منتشر کرد. روزانا دیپلانو^{۴۵} و نیکولاس تساغوریاس^{۴۶} که ویراستاران این کتاب هستند، روش‌شناسی را مسبوق به نظریه‌ها و تحقیقات هر رشته علمی دانسته و اظهار می‌دارند که در روش‌شناسی باید به نظریه‌های حقوق بین‌الملل پرداخت: در واقع ارتباط نظام‌مند بین نظریه، روش و روش‌شناسی وجود دارد که بر اساس آن در مرحله نخست، نظریه به انتخاب روش‌شناسی، و سپس روش‌شناسی به انتخاب روش خاص کمک می‌کند. به بیان دیگر، در حالی که نظریه، زمینه فکری کلان تحقیق را مشخص می‌کند، روش‌شناسی به گزینش روش خاص و اعمال اصول آن بر موضوع تحقیقاتی خاص می‌پردازد.^{۴۷} روش‌های حقوق بین‌الملل در این کتاب به چهار دسته کلی روش‌های دکترینی، تجربی، تطبیقی و میان‌رشته‌ای تقسیم می‌شود. از جمله روش‌های دکترینی که بنا به تعریف نویسندگان، راه اندیشیدن درباره سیستم حقوقی بین‌المللی را نشان می‌دهد و چارچوب نظری برای تحقیق فراهم می‌سازد، می‌توان به پوزیتیویسم، حقوق طبیعی، نیوهیون و مارکسیسم اشاره کرد.^{۴۸}

با توجه به نمونه‌های مذکور در دنیای محدود پژوهش‌های روش‌شناسی در حقوق بین‌الملل باید پذیرفت که بخش قابل توجهی از دانش پژوهان حقوق بین‌الملل در سراسر دنیا، روش‌شناسی را با معیار اعمال آموزه‌های مکتب‌محور به کار می‌برند. در این ارتباط به نظر می‌رسد اعمال آموزه‌های مکتبی، نقش بی‌بدیلی در منضبط کردن تفکر حقوق دانان ایفا می‌کند. حقوق دانانی که در چارچوب تفکر مکتبی می‌اندیشند، به تدریج درخواهند یافت که برای طرح استدلال حقوقی معتبر نمی‌توان به‌طور سلیقه‌ای از وجوه هنجاری و ابزاری حقوق بین‌الملل استفاده کرد. روش‌شناسی مکتبی به پژوهشگران می‌آموزد که چه اطلاعاتی را به چه منظور و چگونه باید

42. *Ibid.*, 34-100.

43. Edward Elgar

44. Deplano, Rossana, Tsagourias, Nicholas, *Research Methods in International Law; A Handbook*, Edward Elgar, 2021.

45. Rossana Deplano

46. Nicholas Tsagourias

47. Deplano, Rossana, Tsagourias, Nicholas, *op. cit.*, p. 1.

48. *Ibid.*, pp. 95-179.

گردآوری و در منظومه فکری واحد ارائه، و سرانجام از اعتبار روش‌شناسانه نتایج آن دفاع کنند. روش‌شناسی، آن‌گاه که به مثابه اعمال آموزه‌های مکتبی در نظر آید، در مرحله پیشینی (گزینش مکتب) بی‌ارتباط با داوری‌های ارزشی نخواهد بود. مکاتب نظری اصولاً شیوه خنثی برای شناخت واقعیت‌های عینی و طبیعی نیستند بلکه باید آن‌ها را به مثابه الگوهای معنی‌ساز برای درک سیستم بین‌المللی قلمداد کرد.^{۴۹} در این خصوص و در سطح بنیادی‌تر، برخی متفکران تا بدانجا پیش رفته‌اند که نه فقط مکاتب فکری، بلکه اساساً اصل ساخت زبانی حقوق بین‌الملل را جهت‌دار می‌دانند. می‌توان کاسکنیمی، حقوق‌دانان صاحب‌نام نزدیک به جریان انتقادی حقوق بین‌الملل را از جمله متفکران مذکور برشمرد که در بدو نضج‌گیری خوانش مکتب‌محور از روش‌شناسی در سمپوزیوم متد ۱۹۹۹، با نگارش مقاله‌ای ضمن رد درخواست مشارکت مطابق الگوی سمپوزیوم اظهار داشت که روش‌شناسی مکتب‌محور باعث می‌شود تا ذیل لوای تکثرگرایی لیبرال، اصل ساخت زبانی و به تعبیر ایشان، زمینه‌ای که این رهیافت‌ها بر بستر آن پدیدار می‌شوند (که مجدداً به گمان او در جهت منافع جریان سلطه و سرمایه‌داری است) بی‌طرف نمایانده شود.^{۵۰} نویسنده مذکور، اصل مدعای خود را به شکل مبسوط در جایی دیگر مطرح می‌کند و با بیان اینکه حقوق، امر زبانی است و زبان نیز شبکه‌ای پر از حفره است، اظهار می‌دارد که در زبان‌شناسی ساختاری هیچ معنای ذاتی در واحدهای زبانی وجود ندارد. او از این مقدمه نتیجه می‌گیرد که قواعد حقوقی همچون واحدهای زبانی، در هنگام تفسیر مشکل‌آفرین می‌شوند زیرا ساخت زبانی حقوق به حقوق‌دانان امکان می‌دهد تا هنجار واحد را به‌گونه‌ای تفسیر کنند که به اندازه تفسیر رقیب، منسجم دیده شود.^{۵۱}

با وجود این، به نظر می‌رسد رویکرد ساختارشکنانه کاسکنیمی بیش از اینکه به تعیین قواعد فعالیت روش‌شناسانه کمک کند، به تلاش برای برهم‌زدن زمین بازی شباهت دارد زیرا چنانکه مشخص است، رهیافت‌ها صرفاً در رابطه یک‌سویه، اثرپذیر از ساخت نیستند و خود نیز می‌توانند به درجاتی در متعین‌سازی زمینه اثرگذار باشند، در حالی که می‌توان پذیرفت عدم قطعیت و عرضه انتخاب‌های چندگانه، بخشی از حقیقت حقوق است، اما از انعطاف حقوق نمی‌توان حکم به بی‌ربط بودن تفاسیر مکتبی کرد و حقوق بین‌الملل را در حد روش سیاسی برای مواجهه با اختلافات بین‌المللی تقلیل داد. تردیدی نیست که محتوای حقوق، و تفاسیری که از آن به عمل می‌آید، متأثر از عوامل متعدد اجتماعی و سیاسی است، اما استدلال حقوقی در اساس دارای

49. Allott, Philip, "Language, Method and the Nature of International Law", *British Yearbook of International Law*, vol. 45, No. 1, 1971, pp. 95-96.

50. Koskeniemi, Martti, "Letter to the Editors of the Symposium", *American Journal of International Law*, vol. 93, No. 2, 1999, pp. 352-353.

51. Martti Koskeniemi, *From Apology to Utopia: The Structure of International Legal Argument*, Cambridge University Press, 2006, pp. 61, 529-530.

منطق درونی و بافت نهادمحور است که نمی‌توان به‌سادگی هر مدعایی را در درون آن قرار داد. بر این اساس، رویکردهای نظری می‌توانند با ایجاد گفتمان‌های حقوقی مسلط و اثبات اعتبار نسبی برخی تفاسیر نسبت به قرائت‌های رقیب، به متعین کردن محتوای هنجارهای حقوقی کمک کنند. مشارکت دانشمندان مطرح رهیافت‌های نزدیک به تفکر انتقادی همچون رهیافت جهان سوم و رهیافت فمینیسم در سمپوزیوم مذکور و ارائه تحلیل بر مبنای الگوی روش‌شناسی مکتب‌محور، خود نشانه‌ای است از آنکه ایده کاسکنیمی در همان ابتدا نیز غیرعمل‌گرایانه تلقی شد و از آن استقبال نشد. در این زمینه باید به خاطر داشت که روش‌شناسی مکتب‌محور، ضمن ارتباط پیشینی ناگزیر با داوری‌های ارزشی پژوهشگر (در مرحله گزینش مکتب)، اساساً به صدق و کذب گزاره‌های مکتبی نمی‌پردازد و هرگز چیزی فراتر از ابزار خنثی برای تضمین حرکت صحیح در درون مبنای مکتب‌محور نیست.

۳. روش‌شناسی در ادبیات حقوق بین‌الملل ایران

مفهوم روش‌شناسی در ادبیات حقوق بین‌الملل در ایران کمتر مورد توجه عمیق و نظام‌مند حقوق‌دانان قرار گرفته است و جز در معدودی از آثار،^{۵۲} چندان نمی‌توان این بحث را پی گرفت. برای شناخت الگوی طرح‌شده در مهم‌ترین اثر فارسی در این زمینه،^{۵۳} توجه به یکی از عبارات کلیدی کتاب، راهگشا خواهد بود: انتخاب روش، هم به علم خاص ارتباط پیدا می‌کند و هم به مکتب یا نظریه معین از حقوق بین‌الملل.^{۵۴} در این راستا به نظر می‌رسد مهم‌ترین ویژگی این اثر،

۵۲. فلسفی، هدایت‌الله؛ سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل: اصول اساسی روش‌شناسی حقوق بین‌الملل، فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۶؛ همو، «روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، بهار و تابستان ۱۳۷۰، شماره ۹. شایان ذکر است در حوزه روش‌شناسی علاوه بر آثار مذکور می‌توان به شمار محدودی از پژوهش‌های ارزشمند دیگر در قالب تحقیق و ترجمه نیز اشاره کرد. به‌عنوان نمونه، ن. ک: ضیائی بیگدلی، محمدرضا؛ «متدولوژی حقوق بین‌الملل»، *پژوهش حقوق و سیاست*، دوره ۷، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، که با اقتباس از مقاله دومینیه نگاشته شده است. برای مطالعه متن کامل مقاله دومینیه به فارسی، ن. ک: دومینیه، کریستین؛ «روش‌شناسی حقوق بین‌الملل»، ترجمه: مصطفی فضایی، *پژوهش‌های فلسفی - کلامی*، ۱۳۷۸، دوره ۱، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۸. همچنین ترجمه متن مقالات سمپوزیوم *مجله امریکایی حقوق بین‌الملل* (به استثنای مقاله مشترک *آنگی* و چمنی با عنوان رهیافت‌های جهان‌سومی به حقوق بین‌الملل و مسئولیت فردی در منازعات داخلی که متعاقباً به فهرست مقالات سمپوزیوم اضافه و در قالب کتاب چاپ شد)، ن. ک: انجمن امریکایی حقوق بین‌الملل؛ *نیم‌نگاهی به روش‌شناسی حقوق بین‌الملل*، ترجمه: علیرضا ابراهیم‌گل، چاپ دوم، خرسندی، ۱۳۹۳؛ و نیز: ابراهیم‌گل، علیرضا و محمد صالح عطار؛ «جایگاه نظریه، فرانظریه، روش و روش‌شناسی در مطالعه حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، دوره ۳۶، شماره ۶۰، بهار و تابستان ۱۳۹۸.

۵۳. فلسفی، هدایت‌الله؛ سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل: اصول اساسی روش‌شناسی حقوق بین‌الملل، فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۶.

۵۴. فلسفی؛ ۱۳۹۶، ص ۶۴.

طرح الگووارهٔ چهاروجهی^{۵۵} با تمرکز بر «روش‌شناسی به مثابه علم» است. در این ارتباط، چهار روش اصلی تحلیل سیستم حقوق بین‌الملل، فن حقوق، روش تحلیل علمی، روش جامعه‌شناسی و روش فلسفی ذکر شده است. فن حقوقی ناظر به تعیین مضمون قواعد و تفسیر بی‌طرفانه بر اساس منابع شکلی است. نظریهٔ تحلیلی برای فهم و توصیف مفاهیم نظام حقوقی به کار گرفته می‌شود. جهت اصلی فلسفهٔ حقوقی، تعیین سنجش میزان عدالت در سیستم و مشروعیت قواعد است و نهایتاً جامعه‌شناسی حقوق، معطوف به ارزیابی تطور سیستم و تکامل قواعد در بستر تحولات نظام بین‌الملل است.^{۵۶} در مقایسهٔ الگوی فوق با الگوی دومینیسسه و کاسکنیمی می‌توان اظهار داشت که الگوی طرح‌شده در کتاب مذکور، شباهت‌هایی به الگوی دو سطحی کاسکنیمی دارد.^{۵۷}

گزینهٔ دوم در روش‌شناسی، بنا به تعبیر نویسندهٔ اثر، مشخص کردن جریان نظری یا مکتب فکری است که تحقیق در مدار آن به گردش درمی‌آید: در این ارتباط امکان دارد دو محقق که در حوزهٔ «فن حقوق» کار می‌کنند، هریک به مکتبی متفاوت وابسته باشند. مثلاً محقق اول طرفدار «مکتب اصالت اراده» باشد و بر این فکر اصرار بورزد که حقوق، ساخته و پرداختهٔ ارادهٔ دولت‌ها است و محقق دوم با طرفداری از «مکتب اصالت عین» معتقد باشد که حقوق منبعث از ضرورت‌های اجتماعی است. بدین ترتیب، چنانچه این دو بخواهند حقوق بین‌الملل را توصیف و هرکدام سؤالات یکسانی را مطرح کنند، از روش خاص خود تبعیت خواهند کرد و به نتایج متفاوت خواهند رسید.^{۵۸}

اگر الگوبندی فوق معیار قضاوت باشد، به نظر می‌رسد پژوهشگران حقوق بین‌الملل ایران اگر اصولاً آگاهانه از روش‌شناسی خاصی در تحقیق پیروی کرده باشند، باید روش‌شناسی آن‌ها را فن

۵۵. این تقسیم‌بندی چهارگانه و توضیح آن‌ها در ادبیات روش‌شناسی حقوق بین‌الملل مسبوق به سابقه است. در این خصوص، ن.ک:

Olivier Corten, *Méthodologie du droit international public*, Université de Bruxelles, 2013, pp. 22 et seq.

۵۶. برای مرور اجمالی فصول هفت‌گانهٔ کتاب، ن.ک: افتخار جهرمی، گودرز: «هفت اقلیم عقل در روش‌شناسی حقوق بین‌الملل، نگاهی تحلیلی به کتاب سیر عقل در منظومهٔ حقوق بین‌الملل»، *مجلهٔ حقوقی بین‌المللی*، دورهٔ ۳۶، شمارهٔ ۶۰، بهار و تابستان ۱۳۹۸.

۵۷. فلسفی؛ ۱۳۹۶. از جمله تفاوت‌های اصلی الگوی طرح‌شده در کتاب *سیر عقل در حقوق بین‌الملل* با الگوی کاسکنیمی، اولویت‌دادن نویسندهٔ نخست به روش تحلیل علمی در مقایسه با روش خط‌مشی‌گرایی در الگوی کاسکنیمی است. نویسنده با تنویریزه کردن روش تحلیل علمی به گونه‌ای که در بخش دوم از فصل دوم کتاب مذکور قابل مطالعه است، برای این روش، جایگاهی در حد فن حقوقی قائل می‌شود. به نظر می‌رسد اگر نویسندهٔ کتاب *سیر عقل در حقوق بین‌الملل*، قصد اضافه کردن فصولی در خصوص جریان خط‌مشی‌گرایی، رهیافت جهان‌سومی و ... می‌داشت، این رویکردهای فکری را نه در ردیف چهار روش علمی شناخت حقوق بین‌الملل، بلکه در بخش مکاتب درج می‌کرد. ناگفته پیداست که خوانندگان این کتاب می‌توانند در فصل هفتم کتاب مذکور، توجه نویسنده به الگوی دومینیسسه و توسیع این ساحت از مباحث متدولوژیک را نیز ملاحظه کنند.

۵۸. همان، صص ۴۴-۳.

حقوقی نامید زیرا عمده تحقیقات دانشگاهی ایران اساساً تحلیلی - توصیفی بوده و تمرکز پژوهشگر بر دریافت مضمون قاعده حقوقی و تفسیر دامنه معنایی آن در یک قلمرو دولت‌محور قرار دارد. در بخش بعدی تلاش می‌شود تا صحت این مدعا بر اساس داده‌های حاصل از تحقیق پیرامون جایگاه روش‌شناسی در پژوهش‌های دوره دکتری حقوق بین‌الملل به آزمون گذاشته شود.

۴. جایگاه روش‌شناسی در پژوهش‌های دکتری داخل

تبيين میزان دقت نظر پژوهشگران حقوق بین‌الملل ایران به اهمیت روش‌شناسی تحقیق، موضوع این بخش از مقاله است که تلاش شد با بررسی قریب ۹۰ رساله دکتری در دانشگاه‌های دولتی تهران در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ بدان پاسخ داده شود. اصولاً رساله دکتری باید ویتترین و شناسنامه فعالیت علمی هر پژوهشگر باشد و از این منظر می‌توان انتظار داشت که شاخص‌های تحقیق علمی منسجم در عالی‌ترین سطح در آن مشاهده شود. مع‌الأسف نتایج نمونه آماری این تحقیق، مثبت گزاره‌ای است که پیش از این به‌صراحت در حقوق بین‌الملل ایران ادعا شده است: در ایران، مطالعه حقوق بر اساس روش، از منزلتی برخوردار نیست.^{۵۹} اگرچه روش‌شناسی یک واحد اصلی از دروس دوره دکتری حقوق بین‌الملل در نظام دانشگاهی ایران است، گویی نتوانسته است تبدیل به بخش مستقل در مطالعات حقوق بین‌الملل شود و تنها در موارد بسیار محدود، برخی پژوهشگران به شکل گذرا به روش‌شناسی تحقیق خود اشاره کرده‌اند. به این ترتیب به نظر می‌رسد آنچه برخی در خصوص وجود رابطه مستقیم بین الزام دانشجویان به درج روش‌شناسی تحقیق و سلیقه پژوهشی استادان بیان کرده‌اند،^{۶۰} در دانشکده‌های حقوق ایران نیز قابل تأیید است.

نتایج این پژوهش آماری نشان می‌دهد که کمتر از ۲۰ درصد پژوهشگران دوره دکتری به تبیین نسبتاً مناسب روش‌شناسی تحقیق پرداخته‌اند و اکثر نویسندگان با درج عبارت واحد و تکراری در مقدمه پژوهش (توصیفی - تحلیلی)، از درج هرگونه توضیح بیشتر در متن یا مقدمه در خصوص روش‌شناسی تحقیق استنکاف نموده‌اند. نکته قابل ذکر دیگر این است که حتی در رساله‌هایی که به روش‌شناسی نیز توجه شده است، جز در دو مورد، پژوهشگران مطلقاً به

۵۹. فلسفی، هدایت‌الله؛ سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل؛ اصول اساسی روش‌شناسی حقوق بین‌الملل (ویراست دوم)، فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۹، ص ۲۴.

60. Lieblich, Eliv, 2021, "How to Do Research in International Law? A Basic Guide for Beginners", *Harvard International Law Journal Online*, vol. 62, available at: <<https://harvardilj.org/2021/01/how-to-do-research-in-international-law-a-basic-guide-for-beginners/>>, last seen 19 March 2023.

روش‌شناسی به مثابه اعمال مکتب نزدیک نشده‌اند و اکثراً یا به درج عبارت توصیفی و تحلیلی (که به روش تحقیق و نه روش‌شناسی بازمی‌گردد) بسنده کرده‌اند یا در سایر موارد به شکل بسیار اجمالی اما مناسب و قابل قبول به روش‌شناسی عمدتاً در مفهوم مضیق (استقرایی - استنتاجی) اشاراتی داشته‌اند.

جامعه آماری: رساله‌های دکتری حقوق بین‌الملل در دانشگاه‌های دولتی ایران
 نمونه آماری: رساله‌های دکتری ثبت‌شده در بانک اطلاعات دانشگاه‌های دولتی تهران
 در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰

عدم درج روش‌شناسی	اکتفا به درج عبارت «توصیفی - تحلیلی»	تبیین مناسب روش‌شناسی	نمونه آماری (تعداد رساله)	
۳۱ درصد	۵۶ درصد	۱۳ درصد	۴۵	دانشگاه علامه طباطبایی
۹ درصد	۶۴ درصد	۲۷ درصد	۲۲	دانشگاه شهید بهشتی
۲۱ درصد	۶۵ درصد	۱۴ درصد	۲۱	دانشگاه تهران
۲۱/۵۰ درصد	۶۱ درصد	۱۷/۵۰ درصد	۸۸	جمع کل

بدیهی است نتایج این نمونه آماری هرگز با قطعیت همراه نیست زیرا علاوه بر اینکه امکان دسترسی به بسیاری از رساله‌های دکتری در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ در پایگاه‌های اینترنتی و نیز کتابخانه‌های دانشگاهی وجود نداشته است، اساساً نمی‌توان بخشی از جامعه دانشگاهی را به جای کل در نظر گرفت و بر اساس آن نتیجه‌گیری قطعی ارائه کرد. بنابراین باید تصریح نمود که این پژوهش، ادعایی دال بر قابلیت تعمیم و تسری نتایج نمونه آماری ندارد. دلیل این امر چنانکه از کمیّت عددی آمار مندرج در جدول فوق پیداست، قبل از هر چیز، ناقص بودن پایگاه رساله‌های دکتری در هر سه دانشگاه است. افزون بر این، به دلیل اعمال محدودیت در دسترسی به منابع رساله‌ها در یکی از دانشگاه‌های فوق‌الذکر، امکان دسترسی به رساله‌های قبل از ۱۳۹۰ فراهم نبوده است. با وجود محدودیت‌های مذکور، تعداد و هویت جامعه آماری مورد استناد در این مقاله و روش بررسی کاملاً واضح است: بخش روش‌شناسی رساله‌های دکتری حقوق بین‌الملل موجود در کتابخانه‌های سه دانشگاه تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی که در فاصله زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ با موفقیت دفاع شده‌اند، تماماً به شیوه غیرگزینشی مورد مطالعه دقیق قرار گرفته است.

این یافته‌ها قبل از هر چیز لزوم بازنگری در آموزش حقوق بین‌الملل را خاطر نشان می‌سازد. به نظر می‌رسد در پروسه آموزشی ایده‌آل، پژوهشگر باید افزون بر فراگیری ظرایف تحلیل قواعد حقوقی، آرای قضایی و نیز رویه دولتی، از آموزش لازم برای شناخت سیستمی حقوق بین‌الملل به‌عنوان رشته دانشگاهی علمی ممزوج با جریان‌های کلان اجتماعی و سیاسی نیز برخوردار شود. بدین‌سان ضروری است حقوق‌دانان از دستگاه‌های شناخت متفاوت و لنزهای متعددی که حقوق بین‌الملل برای تحلیل پروسه‌های سیستمی، هنجارها، آرا و رویه‌های دولتی در اختیار می‌گذارد نیز اطلاع کافی داشته باشند. پرواضح است که برای تحقق این نقشه علمی، بدون همراهی استادان حقوق بین‌الملل بخصوص استادان راهنمای رساله‌های دکتری نمی‌توان گام از گام برداشت. در این راستا استادان باید امکانات متعددی را که روش‌شناسی حقوق بین‌الملل برای ارائه تحلیل‌های حقوقی متفاوت در اختیار پژوهشگر می‌گذارد، تبیین نموده و ضمن شفاف‌سازی حیطه وسیع آزادی انتخاب دانشجویان در قلمرو روش‌شناسی، آنان را ملزم به فراگیری مهارت‌های حقوقی برای طرح استدلال منظم در درون دستگاه‌های روش‌شناسی کنند. اگر چنین اراده‌ای در امر آموزش روشمند حقوق بین‌الملل پدید آید، می‌توان امید داشت که زمینه بهتری برای افزایش کیفیت پژوهش‌های حقوقی از حیث تتبع علمی بر اساس الگوهای روش‌شناسی ایجاد شود.

روش‌شناسی مکتب‌محور به پژوهشگر خواهد آموخت که نحوه استدلال منضبط در درون دستگاه‌های شناخت حقوق بین‌الملل، از محتوای استدلال (که اساساً موضوع ارزیابی‌های سلیقه‌ای داوران است) مهم‌تر است. آنچه گفته شد نشان می‌دهد که روش‌شناسی امر تزئینی و لوکس در تحقیقات آکادمیک نیست و نه تنها مانع از تمرکز بر جوهر تحقیق نخواهد شد، بلکه خود، جوهره تحقیق است و فلسفه برداشت هر گام در فرآیند تحقیق را روشن و توجیه می‌کند.^{۶۱} پژوهشگر ایرانی حقوق بین‌الملل باید به خود یادآور شود که حقوق و نظریه حقوقی در خلأ خالی از ارزش حرکت نمی‌کند و فرض‌ها و پیش‌فرض‌های نظری پژوهشگر بر تحلیل موضوعات عینی اثرگذار است. مشارکت فعال در زمینه نظریه‌های حقوق بین‌الملل از جمله موضوعاتی است که نباید در فضای دانشگاهی نادیده انگاشته یا به‌سادگی از کنار آن عبور شود. نظریه یا مکتب، چارچوبی انتزاعی برای فهم سیستم و جایگاه هنجارها است و به فراهم‌ساختن نقشه فکری برای شناخت انسانی کمک می‌کند. ملاحظه مذکور خاطر نشان می‌سازد که مواضع نظری پژوهشگر - آن‌گاه که درباره مسئله حقوقی فنی تحقیق می‌کند - اساساً امر ذهنی و معطوف به انتخاب است. انتخاب، فاکتور اصلی در تعیین خروجی داده‌های علمی بوده و گزینش نظریه، در شیوه تبیین

61. Coomans, Fons, Grünfeld, Fred, Kamminga, Menno T., "Methods of Human Rights Research; A Primer", *Human Rights Quarterly*, vol. 32, No. 1, 2010, p. 184.

واقعیت بسیار اثرگذار است. چنانکه پیداست مدعای این پژوهش، تقویت چشم‌اندازی به روش‌شناسی است تا در پرتو آن بتوان مبنایی برای تأمل در خصوص ماهیت و کارکرد حقوق بین‌الملل فراهم نمود.

در این ارتباط انتظار می‌رود پژوهشگری که در حوزه فنی خاص از حقوق بین‌الملل مانند حقوق مسئولیت یا حقوق تجارت پژوهش می‌کند، بتواند پژوهش خود را در قالب دستگاه فکری کلان (مکتب) نیز تبیین کند. البته نباید محدودیت‌های این امر را از نظر دور داشت زیرا از یک سو دستگاه‌های شناخت حقوق بین‌الملل در تحلیل بسیاری از موضوعات، رویکرد واحد و همپوشان با یکدیگر دارند و از سوی دیگر درباره برخی موضوعات اساساً وحدت‌نظری در درون یک مکتب وجود ندارد. به‌عنوان نمونه، طیف گسترده‌ای از دانشمندان پوزیتیویست و طبیعت‌گرا (در رأس آن‌ها لوترپاخت و /پنهایم) در مقوله شناسایی دولت، به‌طور یکدست جانب نظریه تأسیسی را می‌گیرند.^{۶۲} در مثال فوق چنانچه پژوهشگر دارای ذهنیت پوزیتیویستی، بدون آگاهی از مفروضات نظری مکتب فکری خود، جانب نظریه تأسیسی را بگیرد، پژوهش او از حیث روش‌شناسی (هرچند ناآگاهانه) درست انجام شده است. اما با کمک روش‌شناسی پژوهشگر قادر خواهد بود موضوع تحقیق را آگاهانه در ظرف تئوریک کلان‌تر تحلیل کند. در اینجا تصریح می‌شود که مدعای مقاله این نیست که الزاماً متعاقب تغییر مکتب نظری، نتایج متفاوتی در تمام وجوه پژوهش رقم خواهد خورد، بلکه به‌سادگی اظهار می‌دارد که پژوهشگر باید مستحضر باشد که چیزی به نام واقعیت حقوقی محض یا فضای حقوقی مستقل از چشم‌اندازهای نظری وجود ندارد. به بیان /ایان /سکوبی باید به پژوهشگر یادآور شد که فهم ما از ماهیت حقوق بین‌الملل نهایتاً مبتنی بر فرض‌ها و پیش‌فرض‌های نظری است و چنانچه این مفروضات به شکل پنهان و ناآزموده باقی بمانند، تنها به خودخشنودی محقق در فضای غیرانتقادی خواهد انجامید.^{۶۳}

با همه این تفصیلات باید اذعان کرد که کم‌توجهی به روش‌شناسی اختصاص به حقوق بین‌الملل ایران ندارد و بسیاری از دانشمندان برجسته دنیا نیز تحلیل‌های خود را بدون تبیین روش‌شناسی انجام می‌دهند. برانلی در نقد روش‌شناسانه‌ای که به طرفداران جریان نظم نوین اقتصادی بین‌المللی وارد می‌کند (از منظر مخالفت با ارتقای جایگاه اعلامیه‌ها و قطعنامه‌ها به‌عنوان حقوق نرم در سلسله مراتب منابع حقوق بین‌الملل)، اعتراف می‌کند که احتمالاً بسیاری از حقوق‌دانان بین‌الملل که عمدتاً به‌عنوان وکیل یا مشاور دارای پیشینه طولانی و بسیار موفق در این حوزه هستند حتی یک بار نگران مبنای متدولوژیک حرفه خود نبوده‌اند؛ اما لازم است که برای مسائل

62. Crawford, James, *Creation of States in International Law*, Oxford University Press, 2006, pp.19-20.

63. Scobbie, Iain, "A View of Delft: Some Thoughts about Thinking about International Law", in: Malcolm Evans (ed.), *International Law*, Fifth Edition, Oxford University Press, 2018, pp. 51-88.

حقوق بین‌الملل از منظر روش‌شناسی و نظریه اهمیت قائل بشوند.^{۶۴}

نتیجه

هر چند می‌توان مفهوم روش‌شناسی را به منزله نظریه روش‌های شناخت علمی سیستم حقوقی یا شناخت قاعده حقوقی به کار گرفت، نظر به چندسطحی بودن این مفهوم، اینک در بسیاری از مطالعات حقوقی بین‌المللی از روش‌شناسی در مقام اعمال آموزه‌های یک یا چند مکتب فکری که تحقیق در مدار آن به حرکت در می‌آید استفاده می‌شود. از آنجا که به نظر می‌رسد همچنان هیچ تعریف واحدی از مفاهیم اساسی حوزه تحقیق در حقوق بین‌الملل وجود ندارد، بسیاری از پژوهشگران از نام‌گذاری‌های متفاوتی برای اشاره به این تلقی خاص از روش‌شناسی تحقیق استفاده کرده‌اند.^{۶۵} با وجود این، ضروری است و رای مجادلات ترمینولوژیک، پژوهشگران حقوق بین‌الملل پاسخ روشن برای تبیین خطوط اصلی فعالیت پژوهشی خود از منظر مکتبی در ذهن داشته باشند.

روش‌شناسی به مثابه اعمال آموزه‌های مکتبی مستلزم این است که هر پژوهش نخست با تأمل در باب چیستی و چگونگی عملکرد حقوق بین‌الملل آغاز شود تا از این رهگذر نویسنده بتواند با امکانات و محدودیت‌های روش‌های کلی شناخت علم حقوق بین‌الملل آشنایی یابد. آن گاه پژوهشگر با گزینش مکتب فکری مشخص، ضوابط و شاخص‌های اعمال آموزه‌های مکتبی را استخراج نموده و در تفکر تحلیلی خود اعمال نماید. در این قسمت از تحقیق باید پاسخ‌هایی روشن برای سؤالاتی از این دست فراهم کرد: رویکرد مکتب فکری محقق به حقوق بین‌الملل، پروسه‌محور است یا قاعده‌گرا؟ در احراز قاعده عموماً به روش‌های استقرایی اقبال دارد یا به روش‌های استنتاجی؟ در خصوص تکنیک تفسیر قواعد، بر لفظ متمرکز می‌شود یا بر سیاق و هدف؟ در تعیین چیستی منابع حقوق بین‌الملل، شکل‌گرا است یا هنجارگرا؟ چگونه تابعان حقوق بین‌الملل را اولویت‌بندی می‌کند؟ آیا حقوق بین‌الملل را پروژه سیاسی مشکوک و جهت‌دار می‌داند یا ابزار مشترک متعالی برای حفظ نظم بین‌المللی؟ اشراف پژوهشگر بر پاسخ‌های روش‌شناسی مکتبی، نقش مهمی در هدایت روش تحقیق و جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها دارد. در این معنی روش‌شناسی دقیقاً در مقام نقشه راه عمل می‌کند و برای مثال با تعیین تابلوهای ورود ممنوع اجازه نمی‌دهد که پژوهشگری که ادعای تبعیت از روش پوزیتیویسم را دارد برای اثبات وجود قاعده حقوقی بین‌المللی، رفتار بازیگران غیردولتی را محور تحلیل قرار داده یا بر اولویت حقوق نرم متمرکز بشود.

64. Brownlie, Ian. "The Methodological Problems of International Law and Development", *Journal of African Law*, vol. 26, No. 1, 1982, p. 8.

65. Okafor, Obiora Chinedu, *op. cit.*, pp. 371-378.

حقوق بین‌الملل با این سنخ روش‌شناسی، بیش از هر زمانی به چارچوب علم دانشگاهی نزدیک می‌شود. روش‌شناسی مکتبی به پژوهشگرانی که آموزه‌های پوزیتیویسم را مرادف با خود حقوق بین‌الملل می‌دانند هشدار می‌دهد که چارچوبی که /پنهایم در ۱۹۰۸ مطرح کرده است^{۶۶} تنها یکی از خوانش‌های معتبر حقوق بین‌الملل است و نمی‌توان این رشته را به مجموعه‌ای از قواعد دولت‌محور تقلیل داد و متعاقباً وظیفه پژوهشگر را منحصر به غور در تفسیر قواعد نمود. اگر حقوق بین‌الملل به‌عنوان علم و رشته دانشگاهی (و نه مجموعه‌ای از قواعد که باید الزاماً نزد دیوان بین‌المللی دادگستری معتبر قلمداد شود) در نظر گرفته شود، به تعبیر ژان دسپرمون می‌توان خوانش‌های متفاوتی از مفاهیم دکترینی همچون تابعان و منابع حقوق بین‌الملل ارائه کرد و هیچ‌یک را حقیقت ثابت و بی‌نیاز از توضیح تلقی نکرد.^{۶۷} روش‌شناسی مکتبی ابزار ارزشمند برای متکثرسازی زوایای تحلیل در علم حقوق بین‌الملل است که کمک می‌کند وقتی استدلال حقوقی در دستگاهی غیرپوزیتیویستی (مانند نیوهیون) بر مخاطب عرضه شود، گمان نرود که حقوق‌دان ضرورتاً از مدار تفکر حقوق بین‌المللی خارج شده است.

از آنجا که نمی‌توان مناقشه بر سر مطلوبیت یک روش خاص را خاتمه داد و اصولاً روش‌شناسی نیز در پی اثبات برتری یک روش بر دیگر روش‌ها نیست، به نظر می‌رسد با کاربرد روش‌شناسی به مثابه اعمال آموزه‌های مکتب‌محور بتوان به شاخص مناسب برای داوری علمی درباره صحت مبادی و مقاصد حرکت علمی حقوق‌دان در پروسه پژوهش علمی دست یافت. بدین ترتیب در روش‌شناسی مکتب‌محور از پژوهشگر انتظار می‌رود که دستگاه فکری خود را در قالب هر اصطلاحی که می‌پسندد (اعم از روش، روش‌شناسی، نظریه، مکتب، رهیافت و ...) به‌روشنی تبیین نماید و سپس از همخوانی منطقی آموزه‌های مکتبی با موضوع پژوهش دفاع کند. پژوهشگری که از عهده این مهم برآید، یک ساختمان تحقیق استوار در برابر انتقادهای علمی ایجاد خواهد کرد که از منظر روش‌شناسی به‌سادگی فرو نخواهد ریخت.

۶۶. لاسا /پنهایم، دانشمند سرشناس پوزیتیویسم حقوقی در مقاله وظیفه و روش علم حقوق بین‌الملل تلاش نمود تا عملکرد مدرن حقوق بین‌الملل را از ریشه‌های آن در تفکر حقوق طبیعی و متافیزیک جدا کند و با دفاع از روش پوزیتیویستی به‌عنوان روش علم حقوق می‌گوید نقطه شروع تحقیق حقوق‌دان باید شناسایی قواعد به رسمیت شناخته شده موجود در حقوق بین‌الملل باشد و این کار از طریق رصد کردن رویه عرفی دولت‌ها یا معاهده‌سازی‌های آن‌ها ممکن است. ن.ک:

Oppenheim, Lassa, "The Science of International Law: Its Tasks and Method", *American Journal International Law*, vol. 2, No. 2, 1908, p. 333.

۶۷. D'Aspremont, Jean, *International Law as a Belief System*, Cambridge University Press, 2018, p. 47.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

۱. انجمن امریکایی حقوق بین‌الملل، نیم‌نگاهی به روش‌شناسی حقوق بین‌الملل، ترجمه: علیرضا ابراهیم‌گل، خرسندی، ۱۳۹۳.
۲. فلسفی، هدایت‌الله؛ سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل؛ اصول اساسی روش‌شناسی حقوق بین‌الملل، فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۶.
۳. _____؛ سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل؛ اصول اساسی روش‌شناسی حقوق بین‌الملل، (ویراست دوم)، فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۹.

- مقاله

۱. ابراهیم‌گل، علیرضا و محمدصالح عطار؛ «جایگاه نظریه، فرانظریه، روش و روش‌شناسی در مطالعه حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۶، شماره ۶۰ بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۲. افتخارچهرمی، گودرز؛ «هفت اقلیم عقل در روش‌شناسی حقوق بین‌الملل، نگاهی تحلیلی به کتاب سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۶، شماره ۶۰، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۳. بیگدلی، محمدرضا؛ «متدولوژی حقوق بین‌الملل»، پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۷، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
۴. دومینیه، کریستین؛ «روش‌شناسی حقوق بین‌الملل»، ترجمه: مصطفی فضایی، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ۱۳۷۸، دوره ۱، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۸.
۵. فلسفی، هدایت‌الله؛ «روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۹، بهار و تابستان ۱۳۷۰.
۶. قاری‌سیدفاطمی، سیدمحمد؛ حیدر پیری و سیدهادی محمودی؛ «کشف قاعده حقوقی از طریق قیاس توسط دیوان بین‌المللی دادگستری»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۱۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸.

ب. انگلیسی

- Books

1. Bianchi, Andrea, *International Law Theories: An Inquiry into Different Ways of Thinking*, Oxford University Press, 2016.
2. Corten, Olivier, *Méthodologie du droit international public*, Université de Bruxelles, 2013.

3. Cryer, Robert, Hervey, Tamara, Sokhi-Bulley, Bal, Bohm, Alexandra, *Research Methodologies in EU and International Law*, Hart Publishing, 2011.
4. D'Aspremont, Jean, *International Law as a Belief System*, Cambridge University Press, 2018.
5. Deplano, Rossana, Tsagourias, Nicholas, *Research Methods in International Law; A Handbook*, Edward Elgar, 2021.
6. Dominicé, Christian, "Methodology of International Law", in: Rudolf Bernhardt (ed.), *Encyclopedia of Public International Law*, vol. 7, Elsevier Science Publishers, 1984.
7. Koskenniemi, Martti, *From Apology to Utopia: The Structure of International Legal Argument*, Cambridge University Press, 2006.
8. Orakhelashvili, Alexander (ed.), *Research Handbook on the Theory and History of International Law*, Edward Elgar, 2011.
9. Orford, Anne, Hoffmann, Florian (eds.), *Oxford Handbook of the Theory of International Law*, Oxford University Press, 2016.
10. Scobbie, Iain, "A view of Delft: Some thoughts about Thinking about International Law", in: Malcolm Evans (ed.), *International Law*, Fifth Edition, Oxford University Press, 2018.

- Articles

1. Allott, Philip, "Language, Method and the Nature of International Law", *British Yearbook of International Law*, vol. 45, No. 1, 1971.
2. Anghie, Antony, Chimni, B.S., "Third World Approaches to International Law and Individual Responsibility in Internal Conflicts," *Chinese Journal of International Law*, vol. 2, No. 1, 2003.
3. Brownlie, Ian. "The Methodological Problems of International Law and Development", *Journal of African Law*, vol. 26, No. 1, 1982.
4. Busutil, James J., "Practice and Methods of International Law; by Shabtai Rosenne", *Maryland Journal of International Law*, vol. 9, Issue 2, 1985.
5. Coomans, Fons, Grünfeld, Fred, Kamminga, Menno T., "Methods of Human Rights Research; A Primer", *Human Rights Quarterly*, vol. 32, No. 1, 2010.
6. D'Amato, Anthony, "A Methodology of International Law, by Maarten Bos", *Maryland Journal of International Law*, vol. 9, Issue 2, 1985.
7. Klabbers, Jan, "Whatever Happened to Gramsci? Some Reflections on New Legal Realism", *Leiden Journal of International Law*, vol. 28, No. 3, 2015.
8. Koh, Harold Hongju, "Is There a "New" New Haven School of International Law?", *Yale Journal of International Law*, vol. 32, No. 2, 2007.
9. Koskenniemi, Martti, "Letter to the Editors of the Symposium", *American Journal of International Law*, vol. 93, No. 2, 1999.

10. Okafor, Obiora Chinedu, "Critical Third World Approaches to International Law (TWAIL): Theory, Methodology, or Both?", *International Community Law Review*, vol. 10, No. 4, 2008.
11. Oppenheim, Lassa, "The Science of International Law: Its Tasks and Method", *American Journal International Law*, vol. 2, No. 2, 1908.
12. Orford, Anne, "On International Legal Method", *London Review of International Law*, vol. 1, No. 1, 2013.
13. Ratner, Steven, Slaughter, Anne-Marie, "Appraising the Methods of International Law: A Prospectus for Readers", *American Journal of International Law*, vol. 93, No. 2, 1999.
14. Schwarzenberger, Georg, "The Inductive Approach to International Law", *Harvard Law Review*, vol. 60, Issue 4, 1947.
15. Shaffer, Gregory, "The New Legal Realist Approach to International Law", *Leiden Journal of International Law*, vol. 28, No. 2, 2015.
16. Slaughter, Anne-Marie, Ratner, Steven R., "The Method is the Message", *American Journal of International Law*, vol. 93, No. 2, 1999.
17. Talmon, Stefan, "Determining Customary International Law: The ICJ's Methodology between Induction, Deduction and Assertion", *European Journal of International Law*, vol. 26, No. 2, 2015.
18. Tomka, Peter, "Custom and the International Court of Justice", *The Law & Practice of International Courts and Tribunals*, vol. 12, No. 2, 2013.
19. Venzke, Ingo, "International Law and its Methodology: Introducing a New Leiden Journal of International Law Series", *Leiden Journal of International Law*, vol. 28, No. 2, 2015.

- Online Sources

1. Koskenniemi, Martti, "Methodology of International Law", in: Max Planck Encyclopedia of Public International Law, 2007, available at: <<https://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e1440>>.
2. Lieblich, Eliv, 2021, "How to Do Research in International Law? A Basic Guide for Beginners", *Harvard International Law Journal Online*, vol. 62, available at: <<https://harvardilj.org/2021/01/how-to-do-research-in-international-law-a-basic-guide-for-beginners/>>.
3. Sender, Omri, Wood, Michael, *The International Court of Justice and Customary International Law: A Reply to Stefan Talmon*, 2015, available at: <<https://www.ejiltalk.org/the-international-court-of-justice-and-customary-international-law-a-reply-to-stefan-talmon>>.
4. Talmon, Stefan, *Determining Customary International Law: The ICJ's Methodology and the Idyllic World of the ILC*, 2015, available at: <<https://www.ejiltalk.org/determining-customary-international-law-the-icjs-methodology-and-the-idyllic-world-of-the-ilc/>>.